

یک‌شنبه ۷ شهریور ۱۴۰۰ • ۲۰ محرم الحرام ۱۴۴۳ • ۲۹ آگوست ۲۰۲۱

اخبار

یک تحقیر عمومی برای ایران

اکبر اکسیر، شاعر و طنزپرداز درباره وضعیت فرهنگ و ادبیات و به طور خاص وضعیت نشریات و رسانه‌های فرهنگی و ادبی در دولت دوازدهم اظهار کرد: وضع بسیار خوبی نداشتند؛ به علت گرانی و قطعی کاغذ، کتاب‌هایی که باید در دو سه‌هزار نسخه منتشر می‌شدند، در ۲۰۰، ۳۰۰ نسخه به چاپ رسیدند و این – در سطح ملی – یک فاجعه است، چون تیراژ کتاب‌ها در ایران که مرکز ادبیات و شعر است، این‌قدر پایین است. این یک تحقیر عمومی برای ایران است؛ اگر از ما بپرسند تیراژ فلان کتاب‌تان چقدر است و ما بگوییم ۲۰۰ نسخه! او در عین حال گفت: برای همین من میدورم که دولت بعد از این توجه خاصی به کاغذ، کتاب و نشریات داشته باشد.

اکسیر با بیان این‌که ما از نشریات بسیار پزونی برخوردار بودیم، افزود: ویتترین ما در حال حاضر به دو سه مجله که در زمینه شعر و ادبیات منتشر می‌شوند، بسنده می‌کند که آن هم با هزار مصیبت است چون اکثرًا شخصی هستند و با بودجه شخصی اداره می‌شوند، این خیلی وحشتناک است و با هزار ترفند و آگهی می‌توانند حتی به پولی که صرف کرده‌اند برسند. برای همین اگر من برگردم و به چهار سال گذشته نگاه کنم، با این‌که شاعران، نویسندگان، اهل قلم و روزنامه‌نگاران ادبی و هنری ما شانزده‌روز کار کردند اما چون تیراژها بسیار پایین بود، نشریات به دست اکثریت مردم نرسیده است. و اگر وضعیت این‌طور ادامه پیدا کند، باید بگوییم اصلا در وزارت ارشاد را تخته کنند چون ادبیات و روزنامه‌نگاری از بین خواهد رفت.

این شاعر سپس با بیان این‌که دولت جدید با وزیر جدید فرهنگ باید به داد ادبیات، روزنامه‌ها و هنرمندان برسد، بیان کرد: اما به جای این‌که خبرهای خوبی پخش شود، خبرهایی بسیار ناامیدکننده پخش می‌شود. اما من امیدوارم این‌که این بگویند کاغذ در اسرع وقت – حتی با سرعنی بیشتر از سرعت ورود واکسن‌ها – خارجی – به دست ناشران و روزنامه‌ها خواهد رسید. و روزنامه‌نگاران شانزده‌روز زحمت‌شان را بکشند، و به شاعران و نویسندگان گفته شود که امیدوار باشید، کتاب‌تان در تیراژهای بالا پخش خواهد شد. و از این باب، وقتی تیراژ بالا برود، قیمت هم کاهش پیدا می‌کند و همه این‌ها خبرهای نوبدبختی است که وزارت ارشاد می‌تواند در آستانه شروع کار دولت جدید داشته باشد.

سراینده مجموعه‌های «مارمولک‌های هاجیک» و «رادیاتور» در ادامه خطاب به وزارت فرهنگ گفت: تو را به خدا با ویتترین کاری نکنید که چه غریبه و چه آشنا همه دلخور بشوند. ما اهل قلم از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتظار داریم که گذشته را چراغ راه خود قرار دهند و از تمامی اهل قلم به صورت عام دعوت کنند والا اگر این‌طور بگذرد، همه دل‌شکسته و غمگین می‌شوند و آن‌چه ضرر می‌بیند، هنر، شعر، ادبیات و فرهنگ است که از بین خواهد رفت و گروه کثیری از نویسندگان و هنرمندان ما به گوشه انزوا خواهند رفت. برای همین، خواهش می‌کنم در مصاحبه‌های خود کاری نکنند تا همه به چاپ کتاب‌ها، ارزانی کاغذ، و رشد و شکوفایی روزنامه‌نگاری و مجلات و نشریات ادبی که مهم‌ترین ویتترین ادبی هر کشوری است، امیدوار شوند.

اکبر اکسیر همچنین با اشاره به رونق نشریات ادبی در دهه‌های گذشته اظهار کرد: دهه ۷۰ و ۸۰، دهه فوران مجلات ادبی بود، اما الحمدلله حالا فقط دوسه تا از این مجلات می‌بینیم که با چه خون دلی چاپ و منتشر می‌شوند. حمایت مهمی که وزارت ارشاد می‌تواند از مطبوعات انجام دهد، این است که مجلات ادبی را خریداری کند. قبلا این رسم بود که از هر شماره هزار تا می‌خريد و الاخره هزینه این مجلات درمی‌آمد و آن‌ها با مید به آینده به کارشان ادامه می‌دادند اما این خرید مجلات قطع شد. دانش‌آموزان، شاعران و نویسندگان جوانی که در اقصی نقاط کشورمان در یک کتابخانه کوچک به این مجلات دسترسی پیدا می‌کردند، از نعمت این مجلات محروم شدند و در ۸۰ درصد این مجلات به دلیل کمبود بودجه در زمانی که خرید مجلات به طور کلی راکد شد، دیگر خودشان محترمانه مجلات‌شان را تعطیل کردند. اما اگر باز هم واحد مطبوعات وزارت ارشاد به طور عام از این‌ها دعوت کند که هر کس در دهه ۷۰ و ۸۰ میل‌ها دیده داشته، بری سهمیه کاغذ بیايد یا ما حمایت‌های جانبی می‌کنیم، باز همه در یک اقدام عمومی لبیک خواهند گفت و به فعالیت ادبی‌شان ادامه خواهند داد.

این طنزپرداز در ادامه با نگاهی کلی‌تر به وضعیت فرهنگ در دولت دوازدهم گفت: من از شهرستان خودم مثال می‌زنم، ما قبلا در آستارا در هر مناسبت یک شب شعب داشتیم، در هر مناسبت یک رونمایی کتاب داشتیم اما با آمدن کرونا که این برنامه‌ها به شکل قطع شد، قبل از آن هم که اصلا بودجه‌ای در کار نبود. ولی اهل قلم با سرمایه خودشان هم راضی هستند که شب شعر برگزار کنند و کتاب چاپ و از آن رونمایی کنند یا اهالی تئاتر به کارشان باشند. فقط به یک مشوق نیاز است تا دوباره مراکز هنری را احیا کنند و به این‌ها روح تازه‌ای دهند. همه چیز بر سر پول و مادیات نیست، اگر به این بچه‌ها میدان بدهند، حتی با هزینه خودشان می‌توانند هنر را رونق ببخشند و شکوفا کنند. اکسیر در پایان نیز گفت: ما امیدواریم دولت جدید کمبوهایی را که در دولت گذشته به‌خاطر تحریم‌ها، نبود بودجه و ... بوده جبران کند و بودجه فرهنگی مملکت را زنده کنند و در میان هنرمندان باشند و دردشان را احساس کنند. انصاف نیست این قشر را در حال بیماری و نداری تنها بگذاریم.

بهرام صادقی یکی از نویسندگان مهم ادبیات معاصر ایران است که به‌خاطر داستان‌های کوتاهش شناخته می‌شود و نویسنده این‌گونه داستانی بوده است. اما او داستانی بلند هم در کارنامه دارد که مه‌ربانو مهدوی پژوهشگر ادبیات و دانشجوی مقطع دکتری رسانه در یادداشتی به نقد و بررسی آن پرداخته است.

این‌یادداشت را در ادامه می‌خوانیم:

حال و هوای رمان ملکوت بهرام صادقی را تا اندازه زیادی می توان در روزگار کنونی مشاهده و حس کرد و شاهد بشری بود که در پیچ و خم افسردگی های عمیق، پوچی و رنج زندگانی گرفتار است. و از این رنج حسابی خسته شده و به ستوه آمده است.

رمان ۱۱۲ صفحه‌ای ملکوت، تنها داستان بلند بهرام صادقی (۱۵ دی ۱۳۱۵، نجف آباد – ۱۲ آذر ۱۳۶۳، تهران) نویسنده معاصر ایرانی است. این داستان که زمینه‌ای رئال و سورئال دارد درباره فردی به نام آقای مودت و سه تن از دوستانش است که در نیمه شبی با حلول جن به بدن آقای مودت دچار ماجراهایی می شوند. داستان با این جمله آغاز می شود: در ساعت یازده شب چهارشنبه آن هفته، جن در آقای مودت حلول کرد.

دوستان آقای مودت، وی را برای درمان نزد پزشکی به نام دکتر حاتم می‌برند که در ابتدا مردی بسیار نیکوار و بخشنده به نظر می رسد اما به تدریج مشخص می شود که او قاتل افراد زیادی از جمله همسران، خدمتکاران و خیلی از مردم شهر است و آمپول هایی که وی به نام آمپول طول عمر و جوانی به مردم تزریق می کند، در واقع نوعی زهرکشنده است که آنان را به کام مرگ می فرستد. دکتر حاتم این حرف‌ها را به یکی از دوستان آقای مودت که در کتاب از او «ناشناس» یاد می شود، می گوید.

در این میان، مردی به نام «م.ل» که تمام اعضای بدن خود را با جراحی های مختلف، برداشته است، نزد دکتر حاتم آمده تا آخرین دستي را که برایش مانده، بردارد. م.ل در اتاقی که دکتر حاتم برایش تدارک دیده روی تخت خوابیده و اطراف او پر از آئینه و شیشه های الکی است که اعضای بریده شده اش در آنها جا گرفته است. او خدمتکاری به نام «سکو» دارد که م و ل نیمه شبی زبان او را بریده است. م.ل در دکتر حاتم را از سال‌ها قبل می‌شناسد و به نوعی این انتقام نزد او آمده است. دکتر حاتم سال‌ها قبل در قالب شاعر و فیلسوفی به شهر آنها رفته و الفتی با پسر وی داشته است به طوری



که دوستی آنان پسرک را گوشه گیر و کم حرف می‌کند و م ل به همین دلیل پسرش را می‌کشد و بعد از آن نیز زبان سکو را از حلق او بیرون می‌کشد و برود. م . ل در تمام این‌سال‌ها به بهانه اینکه شیطان از وجودش خارج شود، اعضای بدنش را از خود جدا می کرده تا آسوده خاطر شود اما هیچگاه چنین اتفاقی نیفتاده بود.

او در نهایت از قطع کردن آخرین دست خود منصرف می شود و تصمیم می گیرد که زندگی دوباره ای را از سر بگیرد، اعضای بدنش را که در الکل نگهداری می شد، دور بیندازد. خدمتکاران بی شمارش را مرخص کند، ازدواج کند و بچه دار شود و نقش پسرش را نیز به خاک بسپارد.

او این‌مسائل را با دکتر حاتم در میان می‌گذارد و در آخر از او می‌خواهد که به بدنش آمپول جوانی تزریق کند، غافل از اینکه خبری از اکسیر جوانی نیست و زهر در بدنش جاری می شود.

در این میان دکتر حاتم زمانی که آخرین همسر خود ساقی را به قتل می رساند متوجه می شود که او با سکو، خدمتکار م.ل ارتباط داشته و از این مساله به شدت خشمگین می شود به همین جهت حاضر نیست به سکو آمپول مرگ را تزریق کند و با خود می اندیشد که سکو باید درشرایط بی آس و غلظ و ذره ذره جان دهد تا لذت هایی که او سابق برده، از تنش خارج شود. وقتی آقای مودت و دوستانش از شهر برمی‌گردند، او پیشنهاد می‌دهد که وارد باغ بشوند و کنار آب ولو شوند چرا که نگران است باز جن وارد بدن او شود. آقای مودت و دوستانش مشغول صحبت و شوخی بودند که دکتر حاتم نزد آنان می آید و در جواب اینکه راه از کجا می دانسته می گوید که می دانستم.



دکتر حاتم آن شب به دو دوست آقای مودت می‌گوید که به آنان زهر تزریق کرده است. دوست جاق آقای مودت از شنیدن این خبر سکنه می‌کند و جان می دهد و دوست دیگر که منشی جوانی بوده می گوید اگر این خبر نادرست باشد حتما خودکشی می کند.

تنها رمان بهرام صادقی، که به ادعان بسیاری از منتقدان نتوانسته موفقیت داستان‌های کوتاه وی را تکرار کند، آن‌طور که ابتدای کتاب عنوان شده داستانی خیالی است درباره فلسفه زندگی. قبل از شروع داستان، آیه ۲۴ سوره انشراق «فَیُثَرِّقُھُمْ بِغَذَابِ ٱلْأَیْمِ»، «پس آنها را به عذاب دردناک (دوزخ) بشارت ده» ذکر شده که به رنج زندگی اشاره دارد.

همچنین در آغاز فصل سوم کتاب جمله «و عقابی را دیدم و شنیدم که در وسط آسمان می پرد و به آواز بلند می گوید وای بر ساکنان زمین...» از انجیل ذکر شده که این جمله نیز بر رنج بشر در زندگی زمینی تاکید می کند.

دکتر حاتم در این رمان نماد مرگ است، کسی که دیگران را به کام مرگ می فرستد و شهرها را ویرانه می‌کند و به شهر دیگر می‌رود. خود بچه‌ای ندارد و گویی مانعی بزرگ در برابر زیست انسانی و زندگی است و آن‌طور که از شواهد بر می‌آید ارتباط نزدیکی با دوست ناشناس آقای مودت که نه اسم دارد و نه چهره دارد و حتی شاید ناشناس به نوعی خود دکتر حاتم در موقعیتی دیگر است چرا که در آخر نیز دکتر حاتم درباره اینکه ادرس را از کجا می‌دانسته می‌گوید: می‌دانستم. «م.ل» نیز در این رمان نماد انسانی گناهکار است که در همه حال نقش پسرش (ناشناس) را با خود حمل می کند. وی در تلاش است که با تکه تکه کردن خود و برداشتن اعضای بدنش شیطان

کرونا با بچه‌ها چه می‌کند؟

مراقبت‌های والدین هم کمتر شود.

کرمانی سپس درباره تأثیرات فاصله‌بلندمدتی که میان کودکان و اجتماع افتاده است نیز چنین بیان کرد: در بررسی این معضل، دو منظر مورد بررسی است؛ یکی مشکلاتی که آموزش کودکان، دانش‌آموزان و ارزش‌های مربوط به آن را درگیر کرده، و دیگری اتفاقاتی که خود نفس آموزش را دستخوش تغییرات زیادی کرده است. همان‌طور که از ابتدای پاندمی کرازا گفته شده، یکی از

مهم‌ترین پروتکل‌های پیشگیری از ابتلا به کرونا، قطع تماس‌های فیزیکی میان افراد، حذف یا به حداقل رساندن هرگونه تجمع است. به همین علت، فضاهایی که می‌توانستند مناسب رشد کودکان باشند، مانند مدرسه، زمین‌های بازی، کلاس‌ها و پارک‌ها از آن‌ها دریغ شدند. این فضاهای هم‌زمانی بودند که کودکان می‌توانستند براساس ارزش‌های خودشان در آن‌ها فعالیت کنند و لذت ببرند. بر همین اساس، کرونا عرصه زندگی و زندگی کردن را برای کودکان تنگ کرد و به‌عبارتی، زیست‌جهان کودکی را، که پیش از آن محدود بود، محدودتر کرد. تا پیش از کرونا، کودکان علاوه‌بر خانه، در فضاهای آموزشی و تفریحی (مثل زمین بازی، محلات، پارک‌ها و...) حاضر می‌شدند و با همسالان خود ارتباط می‌گرفتند، اما بعد از شیوع کرونا از این امکانات محروم شدند.

او همچنین درباره تغییر رویه آموزش تا این مرحله از پاندمی این‌طور توضیح داد: پس از کرونا، اتفاقات خوب و بد زیادی پیش روی حوزه آموزش قرار گرفت. مهم‌ترین اتفاق خوب در آموزش این بود که پس از تعطیلی مدارس، دانش‌آموزان این امکان را داشتند که از طریق اینترنت درس‌ها را فراگیرند و همین مسئله فراغتی را برای آنان حاصل کرد. اگرچه این اوقات را نمی‌شد در مکانی به‌جز خانه سپری کرد، ولی بسیاری از دانش‌آموزان این فرصت‌ها را برای مطالعه کتاب‌های داستانی، رمان و آموزش زبان‌های خارجی غنیمت دانستند. اما به‌طور کلی، به‌نظر می‌رسد مدرسه‌ها علی‌رغم ضعف‌های بسیار، انضباطی داشتند که پیشرفت تحصیلی را به‌مراتب سهولت می‌بخشیدند؛ چراکه بعد از تعطیلی مدارس، کیفیت تحصیلی دانش‌آموزان افت زیادی کرد. تمام این نظرات، سوبه‌هایی مثبت و منفی است که کرونا بر زیست‌جهان کودکی داشته و تأثیرات بسیاری از آن‌ها همچنان آشکار نیست و در آینده هویدا می‌شود.

این مدیر پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره تأثیر تألمات روحی و روانی فوت بستگان بر کودکان و نوجوانان نیز گفت: آمار مرگ‌ومیر بر اثر کرونا، بیش از بزرگسالان بر روی کودکان اثر گذار است؛ چراکه معمولاً بزرگسالان زودتر فوت می‌کنند و کودکان تنها می‌مانند؛ بنابراین تبعات منفی مرگ بر جامعه کودکی به‌مراتب بیشتر از بزرگسالی است. اغلب کودکان با نبود پدر و مادر دست‌وپنجه نرم می‌کنند. تبعات این سیرپرس یا اصطلاحاً یتیم شدن، در جوامع ماقبل مدرن، به‌طریق چندان آزارنده نبود؛ چراکه خانواده‌ها گسترده افراد مسن بیشتر است اما سوبه‌های جدید بیماری بر بچه‌ها نیز اثر گذار بوده و می‌بایست برنامه‌ریزی درستی برای واکسیناسیون این قشر تدوین شود.

چاپ گران‌قیمت دولت روحانی با حمایت وزارت ارشاد!

کتاب مهمانان خارجی دولت تدبیر و امید است و در ۱۸۴ صفحه با قیمت نازل ۴۵ هزار تومان آن‌هم با کاغذ گلاسه قیمت گذاری شده است. در این کتاب، درباره مهمانان خارجی دولت از روز تحلیف تا سفر نخست وزیر عراق عرضه شده و این بخش‌ها، ملولو از تصاویر با کیفیت دو صفحه‌ای از مقامات سایر کشورها در ایران و دیدارهای رئیس جمهور وقت هستند.

اثر دیگری که در قالب مجموعه مورد اشاره چاپ شده، ۶۶۶ صفحه دارد و سرشار از تصاویر رنگی و کاغذی مرغوب است که با قیمت ۷۰ هزار تومان عرضه شده است. بخشی از مطالب کتاب

درونش را از بین ببرد و به آرامش برسد و در عین حال به امید روز رستاخیز است. او سرانجام از قطع آخرین عضو خود منصرف می شود و تصمیم می گیرد دوباره به زندگی برگردد اما با آمپولی که دکتر حاتم به او تزریق می کند، این امید نیز از بین می رود.

در پایان داستان نیز دوست آقای مودت که به او آمپول مرگ تزریق شده نیز دچار پوچی عمیقی می شود و عنوان می کند که اگر این خبر دروغ باشد خودکشی می کند تا زودتر به این کابوس پایان دهد.

بنابراین پوچی زندگی زمینی، رنج بشر و سرگشتگی و آشفتگی انسان برجسته ترین موضوعی است که کتاب به آن پرداخته، گویی بشر در زندگی زمینی در برن بستی از گرفتاری و رنج اسیر است که جز مرگ چاره ای برای آن وجود ندارد. با نگاهی به وضعیت بشر امروزی بویژه در دوران شیوع کرونا و قرنطینه، می‌توان مقایسه‌ای را در این‌حوزه انجام داد که بشر امروزی نیز دچار همین رنج و پوچی شده و در ره‌بای از آن چندان موفق نیست. به نظر می‌رسد که اعمال قرنطینه‌های طولانی مدت که به تنهایی انسان ها دامن زده و موجب روی آوردن بیش از پیش آنان به شبکه های مجازی شده، پوچی و پریشان حالی انسان امروزی را تشدید کرده است.

به عنوان مثال شبکه‌های مجازی از جمله اینستاگرام و توئیتر حجم زیادی از اخبار منفی را از وضعیت جهان به ویژه خاورمیانه بازتاب می دهند و حتی در اینستاگرام اخبار منفی از خاورمیانه و ایران بسیار برجسته‌تر پوشش داده می‌شود و زمانی که مخاطب ایرانی وارد این شبکه می‌شود تحت بمباران صدها خبر منفی قرار می گیرد که مرگ، نیستی، بدبختی، فقر و ناامیدی مطلق را به او القا می‌کند. همچنین در این‌شبکه‌ها سلبریتی‌ها یا اینفلوئنسرها نمایشی لوکس از زندگی خود دارند که احساس پوچی را در جامعه ناامید و پریشان حال تشدید می‌کند و او را به این نتیجه می‌رساند که در کابوس عظیمی از رنج و سرگشتگی گرفتار شده و راه نجاتی برای او نمانده است. درچنین شرایطی یا فرد به حالت افسردگی و انفعال می رسد و منتظر می ماند تا زندگیش به پایان برسد و یا اینکه در حالتی بدتر تلاش می کند با خودکشی به زندگی خود پایان دهد. بنابراین می توان حوال و هوای رمان ملکوت بهرام صادقی را تا اندازه زیادی در روزگار کنونی مشاهده و حس کرد و شاهد بشری بود که در پیچ و خم افسردگی‌های عمیق، پوچی و رنج زندگانی گرفتار و از این رنج حسابی خسته شده و به ستوه آمده است.

مهاجرت از هم دور شده‌اند، انتقال حضانت فرزندان چندان ممکن نیست و اختلافات طباقی، فرهنگی و گفتامی بسیاری را به‌دنبال دارد. لازم به ذکر است در جوامعی که مدرنیته اتفاق ناقصی بوده، مانند جامعه ما که نهادهای تکمیلی در آن متناسب با خانواده

هسته‌ای نیست و سازوکارهای نهادی حمایتی برای نگهداری از کودکان بی‌سرپرست تعهید نشده و نهاد جایگزینی وجود ندارد، از دست دادن والدین، مصیبت دردناکی خواهد بود. بسیاری از سوبه‌ها و تأثیرات مرگ‌ومیرهای بیماران مبتلا به کرونا، در حال حاضر نهفته است و در آینده نمایان می‌شود.

کرمانی درباره تغییر سبک مصرف بعد از کرونا در خانواده‌ها هم بیان کرد: تبیین‌کننده بسیاری از رفتارهای اجتماعی، اقتصاد است. زمانی‌که اقتصاد دچار نزول و نابسامانی شود، الگوهای مصرف هم کاهش پیدا می‌کند. کاهش سطح مصرف، خصوصاً در مصارف فرهنگی به‌مراتب بیشتر می‌شود. حتی در وضعیت اقتصادی عادی هم خانواده‌ها خرید پوشاک را نسبت به کالایی مانند کتاب ارجح می‌دانند و برطرف کردن نیازهای فرهنگی را به تعویق می‌اندازند. متأسفانه از آن‌جایی که قدرت دست بزرگسالان است، خانواده‌ها در شرایط بحرانی ترجیح می‌دهند نیازهای اولیه و اصلی فرزندان را فراهم کنند.

گواه این شرایط نیز تعطیلی انتشاراتی‌ها و کتاب‌فروشی‌های مختلفی است که مشتری چندان‌ی ندارند.

این جامعه‌شناس و فعال فرهنگی حوزه ادبیات کودک و نوجوان در پایان با اشاره به نبود هیچ‌گونه برنامه‌ای برای واکسیناسیون بچه‌ها گفت: نبود برنامه‌ریزی درست و کافی برای واکسیناسیون جوان‌ترها ترس ایجاد می‌کند. این که نوجوانان گمان کنند در جامعه رها شده‌اند و کسی به فکر آن‌ها نیست، احساس بدی را در جودشان ایجاد می‌کند اما متأسفانه غفلت از این قشر در بزنگاه‌های اجتماعی و تاریخی، امر جدیدی نیست. در روایات مختلف تاریخی آمده که در بسیاری از قطعی‌ها و بیماری‌ها، بسیاری از بزرگسالان کودکان‌شان را می‌خورده‌اند. شاید عجیب نباشد اگر بگوییم شکل دیگری از آن توحش در حال شکل‌گیری است. در روابط قدرت، فرادستی از آن بزرگسالان است. هرچند میزان خطر کرونا برای افراد مسن بیشتر است اما سوبه‌های جدید بیماری بر بچه‌ها نیز اثر گذار بوده و می‌بایست برنامه‌ریزی درستی برای واکسیناسیون این قشر تدوین شود.

اخبار

سازمان سمت منتشر کرد؛

آموزش زبان عربی در یک کتاب
کتاب «عربی (۱) قواعد و متون» تألیف محمد حسن حسن‌زاده نیری و یاسر الدلوند از سوی سازمان سمت در ۱۵۴ صفحه با شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۳۹ هزار تومان منتشر شد. کتاب حاضر برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی به عنوان منبع اصلی برای درس «عربی (۱): قواعد و متون» در مقطع کارشناسی تدوین شده است.
امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

مولفان در مقدمه کتاب هدف از تألیف این کتاب را چنین بیان کرده‌اند: «هدف اصلی ما از آموزش زبان عربی در رشته‌های علوم انسانی از جمله در رشته زبان و ادبیات فارسی این است که بتوانیم موارد زیر را درست بخوانیم، ترجمه کنیم، بفهمیم و در صورت لزوم به دیگران نیز بفهمانیم؛ ۱- آیات، احادیث، ترکیب‌ها، مثل‌ها، کنایه‌ها، ابیات قرآن عربی و خلاصه هر عبارت را متنی عربی که در مطاوی متون فارسی آمده است از جمله ساده‌ای مثل «نار الله برهانه» در تاریخ بیهقی گرفته تا تقصیده کامل عربی سعدی در سوگ المستعصم بالله؛ ۲- رسالت و کتب مهم مثل قرآن مجید، نهج البلاغه، تدریس ائمه اطهار علیهم‌السلام و آنچه درباره تبیین و تفسیر آن‌ها عمدتاً از سوی ایرانیان در دوره‌های گذشته و عصر حاضر به نگارش درآمده است؛ ۳- کتاب‌ها، رساله‌ها و دیوان‌های شعرعربی اعم از سنتی و معاصر مانند کربلی و دمنه عربی، دیوان متنی، داستان‌های کوتاه زکریا تامر، اشعار نزار قبانی و متونی از ابن دست».

در جایی دیگر نیز نوشته‌اند: «از زمانی که درس عربی در میان دروس دانشگاهی رشته‌های علوم انسانی گنجانده شد، کتاب‌ها و درس‌نامه‌های گوناگونی با بهره‌گیری از شیوه‌های کهن و نوین در یادگیری زبان عربی پدید آمد. در اغلب این درس‌نامه‌ها بر اقتضای سرفصل‌های دانشگاهی روزگار، قرائت و قواعد را به‌صورت مجزا بررسی و برای هر کدام کتاب‌های جداگانه‌ای تدوین کرده بودند که البته در جای خود و در زمان خود ارزشمند و مفید بود. این شیوه یعنی تفکیک آموزش قواعد از قرائت در کنار مزایایی که داشت یک‌پارچه‌ای و برپوش این بود که دانشجویان قواعد و تقسیم‌بندی‌های پیچیده آن را با هزار زحمت به خاطر می‌سپرد و چون آن‌ها را در متن می‌دیدند، با همان گام اول کوشیده‌ایم نقش قواعد و تقسیم‌بندی‌های پیچیده آن را با هزار زحمت به خاطر می‌سپرد و چون آن‌ها را در متن به‌صورت کاربردی نمی‌آموخت عملاً در رسیدن به هدف اصلی خود که همان فهم متن است موفقیتی چندانی به‌دست نمی‌آورد و پس از مدت کوتاهی اغلب آن‌ها را به فراموشی می‌سپرد. اکنون که در سال‌های اخیر به یمن بازنگری در سرفصل‌های دروس عربی مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به آموزش قواعد در دل متون توجه ویژه‌ای شده و درس‌های قواعد و قرائت درهم ادغام گردیده است ما نیز فرصت را مغتنم شمرده و کتاب‌های درسی خود را بر همین مبنا تألیف کرده‌ایم، بنابراین در این کتاب و مجلدات دیگر آن به آموزش قواعد در دل متون پرداخته‌ایم. در همان گام اول کوشیده‌ایم نقش آموزش قواعد را در فهم متن آشکارا نشان دهیم. برای کاستن از عیب آشفتگی مباحث مربوط به قواعد – که لازمه اتخاذ این شیوه یعنی شیوه آموزش قواعد در دل متون است – اولاً اهم مباحث صرف و نحو را به نحوی منطقی تنظیم و در بین مجلدات مختلف این کتاب به شرح زیر تقسیم و مطرح کرده‌ایم:

کتاب اول: صرف فعل؛
کتاب دوم: صرف اسم و مباحث مربوط به حرف؛

کتاب سوم: مقدمات نحو و مرفوعات؛
کتاب چهارم: بخش عمده‌ای از منصوبات؛
کتاب پنجم: باقیمانده منصوبات و کل مجرورات؛

کتاب ششم: تجزیه و ترکیب نمونه‌های گوناگونی از نظم و نثر عربی و بیان اصول و روش کلی تجزیه و ترکیب.»
در پشت جلد این کتاب آمده است: «کتابی که در دست دارید نخستین جلد از شش مجلدی است که به منظور فهم متن عربی (به‌ویژه برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی) نوشته شده و شامل دو بخش عمده است: (۱) برگزیده‌هایی از متون ساده و متوسط ادبیات معاصر و کهن عربی، این بخش با متون معاصر که زبان ساده‌تری نسبت به متون کهن دارند آغاز شده است. ۲۹ قواعد صرف فعل. در این بخش تلاش بر این بوده است که دانشجو ابتدا با کاربرد فعل در متن آشنا شود و سپس قواعد حاکم بر آن را در صورت مجزا در پایان هر درس بیاموزد و با انجام دادن تمرین‌های مربوط به آن به‌مرحارت خود بیفزاید.»

گفت و گوی اختصاصی سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت و گاز و پتروشیمی با خبرگزاری تصویری ایران پرس:
تداوم صادرات ایران به افغانستان و کاهش عوارض گمرکی

سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت و گاز و پتروشیمی گفت، افغانستان مرزهای خود را به روی ایران باز کرده و طالبان عوارض گمرکی را برای کالاهای ایرانی کاهش داده است، حمید حسینی با بیان اینکه پس از حضور طالبان، افغانستان همه کالاهای ایران را می‌پذیرد و نیازی نیست رسماً درخواستی ارائه شود تصریح کرد، مرزهای استان خراسان‌رضوی، استان خراسان‌جنوبی و استان سیستان و بلوچستان باز بوده و صادرات ایران به افغانستان درحال انجام است. سخنگوی اتحادیه صادر کنندگان فرآورده‌های نفت و گاز و پتروشیمی اظهار کرد، فرآورده‌های پتروشیمی و هیدروکربن تولیدی بخش خصوصی به افغانستان صادر می‌شود و در این بخش طالبان ۷۰ درصد عوارض گمرکی برای ایران کاهش داده است.
خبرگزاری مشروح این گفتگوی تلفنی را به آدرس https://farsi.iranpress.com/iran-i202445 اختیار مخاطبان خود قرار داده است.